



تغییر بازیگرها در فصل سوم و اضافه شدن اکبر عبدی، رضا زیان و... نه تنها به بهبود سریال کمک نکرد بلکه آن را زمین زد. مردم بازیگران جدید را با وجود شهرتشان نپذیرفتند و این تا جایی پیشرفت که اکبر عبدی هم در همان زمان بابت حضور در این سریال عذرخواهی کرد



بررسی دلایل شکست سریال «زیر آسمان شهر» در فصل سوم و سوختن این اثر خاطره‌انگیز

تعبیر وارونه یک رویا

آزاده باقری
روزنامه‌نگار

دلیل سوم: تغییر بازیگرها

چراچوب اصلی زیر آسمان شهر به جز نویسنده‌ها بازیگرهایی بودند که تماشاگر با آنها ارتباط برقرار کرده و به خوبی با آنها آمیخته شده بود. برای همین هم فصل اول با بودن حمید لولایی، یوسف تیموری، مهران غفوریان، اشکان اشتیاق، ملکه رنجبر، کیومرث ملک‌مطیعی، نصرا... رادش و... توانسته بود موفق پیش برود و حتی با گذشت سال‌ها از ساخت این سریال همچنان برخی اصطلاحات و تیکه‌کلام‌های آنها به جا مانده و از آنها یاد می‌شود.

چشم‌اسفندیار در فصل سوم تغییر بازیگرها بود. با وجود آن‌که این تغییر با آمدن چهره‌های مطرحی مانند اکبر عبدی، رضا زیان، اکرم محمدی، غزل صارمی، حسن پورشیرازی و... همراه شد، اما آنها نتوانستند شخصیت‌های زیر آسمان شهر را به خوبی درآورند و مردم آنها را با وجود شهرتشان نتوانستند به جای شخصیت‌های قبلی سریال بپذیرند و باورشان کنند.

این موضوع نشان داد بازیگرهای قبلی زیر آسمان شهر یکی از مهم‌ترین برگ‌های برنده‌ای را در اختیار داشتند و نباید با بازیگرهای دیگر هرچند حرفه‌ای و شناخته شده عوض می‌شدند. به قول معروف از قدیم هم گفته‌اند اسب برنده را نباید عوض کرد.

اما در زیر آسمان شهر این اتفاق رخ داد و تا جایی پیش رفت که اکبر عبدی هم در همان زمان که جزو نقش‌های اصلی فصل سوم به حساب می‌آمد بابت حضور در این سریال عذرخواهی و نبود سوژه مناسب را از جمله دلایل مهم شکست فصل سوم معرفی کرد.

حالا پس از گذشت ۱۷ سال مهران غفوریان خبر از ساخت سری چهارم این سریال را می‌دهد. ساخت سری چهارمی که قرار است ۱۵ سال بعد شخصیت‌های آن آپارتمان را برای مان رونمایی کند و به نظر می‌رسد رضا عطاران هم به این مجموعه باز خواهد گشت. باید دید باتوجه به کسب تجربه‌هایی که در ساخت سری دوم و سوم به دست آورده است غفوریان برای سری چهارم چه در آستین دارد. شاید باز هم توانست ما را ببرد به سمت بهروز خالی‌بند و خاشایار مستوفی و غلام شش‌لول‌بندی که حسابی به خنده وادارمان می‌کردند.

ساخت فصل‌های بعدی یک سریال موفق در یکی دو دهه اخیر چه در کشورهای دیگر و چه ایران بسیار باب شده است. به طوری که وقتی کلید ساخت یک سریال می‌خورد از همان ابتدا تصمیم گرفته می‌شود آن سریال دارای چند فصل باشد. این در حالی است که در گذشته استقبال از سریال موجب می‌شد تا سازندگان سراغ ساخت فصل‌های بعدی بروند. سریال‌ها در ایران ابتدا به همین منوال پیش می‌رفتند و در صورت استقبال از آن تصمیم گرفته می‌شد تا فصل‌های بعدی نیز ساخته شود. از جمله موفق‌ترین ساخته‌های این سبک، ساخت سریال نقطه چین، پاورچین و شب‌های برره بود که اتفاقاً با استقبال خوبی نیز از سوی مخاطب‌ها روبه‌رو شد، اما به دلایل گوناگون از ادامه باز ماند.

اما همیشه ساخت فصل‌های دوم و سوم و... عاقبت خوشی ندارد و ضعف در ادامه پیدا کردن آن موجب می‌شود تا نا رضایتی مخاطب را هم به همراه داشته باشد. چون در برخی موارد ادامه دادن بیش از حد و دنباله‌سازی به شیوه‌های غلط به شکست سریال ختم خواهد شد. به طوری که ادامه پیدا کردن و ساخت فصل‌های بعدی سریال کاری می‌کند تا همان نام خوشی که از فصل اول آن باقی مانده نیز به نابودی کشیده شود. در اینجا است که سوالی مطرح می‌شود، چرا باید سریالی که سری اول آن آنقدر موفق پیش رفت وقتی به فصل‌های بعدی خود رسید تا این حد تنزل پیدا کرد طوری که دیگر تماشاگران خود را هم از دست داد؟ در ادامه به چند دلیل شکست طرح فصل‌های بعدی زیر آسمان شهر می‌پردازیم که می‌توانید آنها را بخوانید.

بود که تاده فصل توانست مخاطب‌های خود را هم حفظ کند.

دلیل دوم: تغییر تیم نویسندگی

یکی از وزنه‌های اصلی سریال زیر آسمان شهر در فصل اول علاوه بر بازیگرهایش تیم نویسندگی بود. سرپرست نویسندگان فصل اول زیر آسمان شهر رضا عطاران بود که به همراه سروش صحت، حمید برزگر و تیم نویسندگی‌اش توانست موقعیت‌های جذاب و بامزه‌ای را خلق کنند و شاید یکی از اصلی‌ترین پاشنه‌های آشیل شکست فصل سوم تغییر تیم نویسندگی بود.

زیر آسمون این شهر چرا دشمنی چرا چنگ؟

برای آنها که خاطرشان نیست یا سنشان قد نمی‌دهد می‌گوییم که سریال زیر آسمان شهر در سال ۸۰ به کارگردانی مهران غفوریان کلید خورد. این سریال در همان فصل نخست حسابی جای خود را در میان مخاطب‌هایش باز کرد، طوری که بسیاری از زمان پخش این سریال خود را به خانه می‌رسانند برای آن‌که بتوانند از ابتدا تا انتهای آن را با تیتراژهای خاطره‌انگیزش پای تلویزیون باشند، اما با وجود جذابیت زیاد این سریال در فصل اول ساخت فصل‌های بعدی‌اش مردابی بود که موجب شد فصل اول را هم با خود غرق کند و فصل سوم هم به شکل تاسف‌آوری تمام شد.

دلیل اول: ظرفیت کلی قصه و شخصیت‌ها

حتماً یادتان می‌آید در مجموعه زیر آسمان شهر چند همسایه در یک آپارتمان زندگی می‌کردند و موقعیت‌های پیش آمده در هر قسمت حول محور همین آپارتمان و آدم‌های داخل آن بود. همین موقعیت موجب می‌شد تا ماجراهای محدودی به وجود آید و چون شخصیت‌ها هم ثابت بودند برای همین به نظر سخت بود که بتوان ماجراهای متنوعی را ایجاد و خلق کرد. با وجود آن‌که این موضوع می‌توانست در ابتدا جذاب به نظر برسد؛ اما به مرور به دلیل تمام شدن سوژه‌ها دام تکرار بر سر این مجموعه انداخته شد. محدودیتی که موجب شد تا هر قسمت از قسمت بعدی ضعیف‌تر باشد.

حتی تغییر بازیگرها در فصل سوم نیز نه تنها به بهبود سریال کمک نکرد بلکه تا جایی پیش رفت که همین تغییر بازیگر آن را زمین زد. این در حالی است که بسیاری از سریال‌های موفق خارجی مکان‌های محدودی داشتند که بسیاری از آنها تنها دکوربندی شده بودند.

از جمله نمونه موفق‌ی که می‌توان از آن یاد کرد و هنوز هم خاطره‌سازی بسیاری می‌کند سریال فرندز